

روپای روپوش

سید

پروانه سلیمانی

چاپ ۳۹۸

www.ketab.ir

سرشناسه	: سلیمانی کورنده، پروانه، ۱۳۷۶
عنوان و نام پدیدآور	: رویای روپوش سفید/ پروانه سلیمانی کورنده.
مشخصات نشر	: لاهیجان: کتاب‌های سبز شمال، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۴ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۱۵-۱۲-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیفا
موضوع	: سلیمانی کورنده، پروانه، ۱۳۷۶ - - خاطرات
موضوع	: داستان‌های یادداشت‌گونه فارسی
موضوع	: Diary fiction, Persian
رده بندی کنگره	: PIR۸۳۴۸
رده بندی دیویی	: ۸۴۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۸۴۴۲۵۳

ناشر:

انتشارات کتاب‌های سبز شمال

لاهیجان - میدان شهدا - خیابان شهدا - نرسیده به میدان فیض - کوچه امام هادی(ع)
مجتمع مریم - طبقه دوم - واحد غربی

تلفن تماس: ۰۱۳۴۲۳۳۸۷۸۲ * ۰۹۳۷۱۴۱۱۶۳۳

وب سایت: GreenBooks.ir



کتاب‌های سبز شمال

نام کتاب:	رویای روپوش سفید
مؤلف:	پروانه سلیمانی کورنده
مرکز پخش:	انتشارات کتاب‌های سبز شمال
آدرس و تلفن:	لاهیجان - میدان شهدا - خیابان شهدا - نرسیده به میدان فیض - کوچه امام هادی(ع) مجتمع مریم - طبقه دوم - واحد غربی ۰۹۳۷۱۴۱۱۶۳۳ * ۰۱۳۴۲۳۳۸۷۸۲
حروفچینی:	کانون تبلیغاتی سبزاندیشان شمال
طرح جلد:	کانون تبلیغاتی سبزاندیشان شمال
صفحه آرای:	مهرانه اسماعیل پور
نوبت چاپ، تاریخ انتشار:	چاپ اول، سال ۱۳۹۸
شمارگان:	۱۰۰۰ جلد
تعداد صفحات:	۱۳۴ صفحه
قطع:	رقعی
ناظر چاپ:	انتشارات کتاب‌های سبز شمال
لیتوگرافی، چاپ و صحافی:	کانون تبلیغاتی سبزاندیشان شمال
شماره استاندارد بین‌المللی کتاب:	۹۷۸-۶۲۲-۶۷۱۵-۱۲-۶

مقدمه:

جا دارد از تمامی کسانی که در طول زندگی، مرا به نوعی به سوی جایگاه و موقعیتی که روزی آرزویم بود و اکنون بدستش آوردم، سوق دادند تشکر نمایم.

در درجه اول تشکر ویژه از خانواده عزیزم که همیشه پشتیبان تصمیمات من بوده اند.

در تمام طول ۱۲ ساله دانش آموزی ام را در مدارس دولتی درس خواندم بی هیچ اعتراضی، بلکه این سال ها یکی از شیرین ترین دوره های زندگی ام محسوب می گردد با تمام کاستی ها یا شاید سختی های آن، با تمامی آن نبودن های بودجه و ... دوره ابتدایی و راهنمایی ام را در مدرسه آسیه شهرستان لنگرود و دوره دبیرستان را در مدرسه شهید رجایی این شهرستان با مدیریت خانم عظیمی تا مقطع دیپلم در رشته تجربی با معدل ۱۹/۶۸ به اتمام رساندم. تشکر ویژه دارم از

تمامی مربیان و معلمان زحمتکشی که سال ها خاک و گچ تخته را خوردند و برای آموختن علم به ما از پا نشستند.

تعدادی از دوستان عزیزم که از کودکی همراه من بوده اند و آوردن اسامی تمام آن ها مقدمه را به طوماری بلند تبدیل می کند اما در قلبم جای دارند.

پس از آمدن نتایج کنکور در سال ۹۴ آن چه که در برگه نمایان بود، نوشته ای بود با عنوان "سهمیه مناطق". از آن جایی که من فرزند جانبازی با ۱۵٪ از بنیاد شهید و امورایثارگران و ۲۸٪ از ارتش جمهوری اسلامی ایران هستم؛ پس از مشورت با مشاور دوره کنکورم، آقای دکترتاییدی که از طرف بنیاد انگورده به ما جهت کمک بیشتر معرفی شده بودند، تصمیم گرفته شد که برای اعتراض در اعمال سهمیه راهی سازمان سنجش کل کشور واقع در تهران شوم. پس از مراجعه و دوندگی های بسیار آن چه که به ما گفته شد این بود که: فرزندان جانبازان زیر ۲۵٪ در کنکور سراسری سهمیه ای نخواهند داشت و ما دل چرکین و شکست خورده به شهرمان بازگشتیم. با رتبه ام در رشته پرستاری دانشگاه آزاد لاهیجان پذیرفته شدم. پدرم به واسطه جانبازی اش، در ۸ ناحیه بدنش از جمله سر و کمر دچار مجروحیت است اما هیچ حقوقی از سوی بنیاد دریافت نمی کند، به دلیل موقعیت پیش آمده مجبور به صرف نظر و چشم پوشی از آن

رشته مقدس (پرستاری) شدم و این توانایی را در خود دیدم که این بار باز هم برای بهترین چیزها بجنگم، پس راهی جز ماندن یکساله در پشت دروازه ای بزرگ به نام کنکور برایم باقی نماند. این بار هدفمند تر و با انگیزه بیشتر برای قبولی در رشته مورد علاقه ام در دانشگاه های سراسری شروع به درس خواندن کردم. از حرف اطرافیان و شاید زخم زبان هایشان سرسری و بدون ناراحتی رد می شدم. از بسیاری از تفریحات و شاید می شود گفت دوره‌می‌ها مجبور به چشم پوشی شدم و برای هدفم جنگیدم. در همین دوره به فاصله زمانی دو هفته، دو مادر بزرگم را نیز از دست دادم و مسلماً این موضوع، افکار آشفته و نگرانم را بیشتر پریشان کرد. این یکسال فرصت خوبی محسوب می شد برای این که به خودم تفهیم کنم که اگر از سهمیه ایثارگری بی بهره ام، در عوض سهمیه ای از معدل را به همراه تحصیل در مناطق ۲ کشور برخوردارم. پس این بار جدی تر راهی صحنه رقابت کنکور شدم. پس از انتشار رتبه ها و سپس انتخاب رشته، سرانجام تلاش یک ساله ام نتیجه داد و سهم من "هوشبری دانشگاه علوم پزشکی اردبیل" شد. دانشکده پزشکی و پیراپزشکی ای که در آن مشغول به تحصیلم، برخلاف دانشگاهمان که قدمتی چندین ساله را داراست، نوساخت و دارای امکانات خوب و بسیار مطلوبی است. هم اکنون نیز در محوطه آن مشغول ساخت یک مرکز دیالیز هستند و این بدین مفهوم است که پس از فارغ التحصیلی و خداحافظی ما از

این شهر خوش آب و هوا که هرگز برف و آسمان زیبایش را از یاد نخواهم برد، پیشرفتی گسترده و قابل توجه منتظر نه تنها دانشکده ما، بلکه دانشگاه علوم پزشکی این شهر خواهد بود.

از مسئولین و اساتید بزرگوار این دانشگاه آقایان:

دکتر قدرت اخوان اکبری ریاست دانشگاه علوم پزشکی اردبیل

حجت الاسلام حمید واحدی زاده ریاست نهاد رهبری دانشگاه

کامیاب ملکی ریاست امور خوابگاه دانشجویان

دکتر بهروز دادخواه معاون فرهنگی دانشجویی

دکتر صالح صالحی، دکتر محمد حسن پور، بهنام امانی

و تمامی زحمت کشان این حوزه

و در آخر تشکر ویژه دارم از دوستان خوبی که در این مدت در اردبیل پیدا کردم و در واقع این شهر مسبب آشنایی ما گردید که امید دارم این دوستی ها تا سال های طولانی برای همه ما ادامه داشته باشد. خانم ها: محدثه حاجی پور، زوج دوست داشتنی و مهربان المیرا بابازاده و همسرشان آقای فرید شریفی، سارا ایران پور و سمیرا صدیق.